

طراحی فرهنگسرا با رویکرد تعامل سنت و مدرنیته

(تاریخ ارسال مقاله ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۳)

مهندس هانی قنبری فر

چکیده

خاستگاه همه هنرها تجلی زیبایی است که خود را به شکل نسبت‌های طولی و عرضی و ارتفاعی در معماری و مجسمه‌سازی و دیگر هنرها نشان می‌دهد. هدف از انجام پژوهش حاضر طراحی فرهنگسرا با رویکرد تعامل سنت و مدرنیته بود که سعی شد با استفاده از مصالح و طرح‌ها و فرم‌ها و نمونه‌هایی از معماری مدرن امروزی طراحی صورت گیرد تا بتواند در حین برقراری تعامل مابین معماری سنتی ایرانی و معماری نوین امروز فرهنگ و سنت ایرانی نیز حفظ گردد. در واقع بر مبنای تئوری تعامل بین سنت و مدرنیته معماری به روش علی-مقایسه‌ای در راستای پاسخگویی به نیازهای محیطی اساس طراحی این مجموعه را برای همه‌ی اقشار جامعه به خود اختصاص داد. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی کلیه کارشناسان معماری و سایر رشته‌های مرتبط همچنین بازدیدکنندگان از بناهای فرهنگی و هنری سنتی و مدرن بودند که حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد المان‌هایی چون مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی، اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)، نمادها، نقوش اسلیمی و احجام هندسی موجب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگسرا شده است؛ اما المان پلان، سبب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگسرا نشده است.

واژگان کلیدی: معماری سنتی، معماری مدرن، طراحی فرهنگسرا، تعامل سنت و مدرنیته

مقدمه

بی شک وجود فرهنگسرا به عنوان یک نهاد فرهنگی در اجتماع بسیار ضروری است. فرهنگ هر جامعه یک مفهوم کلی است و تمامی ارزش‌ها و یافته‌های معنوی مردمان آن جامعه را در بر می‌گیرد. پس فرهنگ، میراث هر قومی است که از پیشینیان برگرفته شده و در آن تغییراتی داده شده و به نسل‌های بعد انتقال یافته است (حبیب، ۱۳۹۹). سنت و تجدد در معماری همواره یکی از مسائلی بوده که مورد توجه طراحان و پژوهشگران بوده است و به نوعی در پی بازیابی سنت‌های گذشته می‌باشند و چگونگی موفقیت آن در جامعه و افراد و همچنین پیوند این موضوع به محیط‌های فرهنگی از جمله دغدغه‌های طراحان فضاهای فرهنگی یا همان فرهنگسراها می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵). امروزه بیش از هر دوران دیگری درباره سنت سخن به میان می‌آید، مادامی که در منابع پیشینیان جستجو می‌کنیم استفاده از این مفهوم و ارجاع دادن سایر امور به آن بسیار کمتر از دوران معاصر است. این مسئله بیشتر از آن جهت است که در گذشته سنت چنان در روح زندگی تنیده بود که به مثابه امری جدای از زندگی بدان نگریسته نمی‌شد. بسیاری از اندیشمندان ریشه‌های گسست سنت از بطن زندگی را از زمانی می‌دانند که سوژه اندیشنده دکارتی موجودیت خود را به مثابه ابژه‌ای بیرونی در جهت شناسایی نگریست و موجبات گسست میان سوژه و آنچه که به آن می‌اندیشید را فراهم آورد که سرآغاز انقلاب مدرنیته را نیز رقم زد (نصر، بورکهارت، گوستاو یونگ، والری، ۱۳۸۸).

در طراحی مراکز فرهنگی که در عین اتصال به گذشته، باید نظری به آینده نیز داشته باشند، بدون آگاهی و شناخت صریح و روشن از معماری و مفاهیم مرتبط با آن، نمی‌توان معیاری مناسب برای سنجش ارزش‌های آن ارائه کرد و به طبقه‌بندی اصول و مبانی طراحی در مراکز فرهنگی به ویژه فرهنگسراها که باید نماد و نشانه فرهنگ و تاریخ جامعه باشند، پرداخت (نقی‌زاده، ۱۳۹۵). در این راستا سعی شده به بررسی مفاهیم سنت و مدرنیته و عناصر و عواملی که در بر دارنده این مفاهیم هستند و همچنین طراحی فرهنگسرا با رویکرد تعامل سنت و مدرنیته پرداخته شود و مورد توجه قرار گیرد. از

این رو سؤالهایی چون؛ چگونگی تعامل معماری سنتی و مدرن با توجه به نیازهای روز و اینکه چگونه می‌توان با ایجاد مجموعه‌ای در غالب روز از تهاجم فرهنگی جلوگیری نمود، همواره مطرح است. از این رو، فضاهایی همچون فرهنگسراها که وظیفه‌ی شناساندن، حفاظت و انتقال ارزش‌های فرهنگی را دارند، می‌توانند در پیشبرد این هدف نقش بسزایی ایفا کنند (محمودی، ۱۳۹۸: ۲۵).

داراب (۱۳۹۲)، در پایان نامه خود تحت عنوان طراحی معماری موزه فرش همدان در راستای تعامل بین سنت و مدرنیته، به طراحی موزه فرش پرداخته است. از نظر او موزه‌ها می‌توانند بیان‌کننده قدرت فرهنگ و تمدن یک قوم باشد و همچنین آموزشی برای ادامه راه گذشتگان البته با روش‌های نوین که تغییراتی بر ساختار اصلی شیء و یا هر چیزی دیگری که از گذشته به ما می‌رسد باشند. باقری (۱۳۹۸)، در پایان نامه خود با عنوان طراحی مرکز مدیاتک مد در شهر تهران با رویکرد تعامل سنت و مدرنیته، مدیاتک را بعنوان کاتالیزور در روند فراگیری دانش و اطلاعات بشمار آورده و بیان می‌دارد که خانه مد به منظور اشاعه‌ی فرهنگ مد و لباس و استفاده از پتانسیل موجود می‌تواند در کشور برای صادرات البسه و ترویج طرح‌های ایرانی در قالب تلفیق تعامل بین فرهنگ مدرنیته در جهان شناخته شود.

معماری سنتی ایران با ورود مدرنیته مفهومی جز تقلید و ادامه‌ی الگوهای غرب نداشت و به تدریج معماری ایران در یک عدم تعادل قرار گرفت و بعد با فروپاشی دائمی بنیان‌های سنتی مواجه شد اما امروزه تلاش بر این است تا با شناخت دقیق سیر تاریخی معماری ایران الگویی کارآمد در جهت تعامل معماری مدرن و سنتی کشور با حفظ مفاهیم معماری ایرانی و پرهیز از تقلید ارائه گردد. در این پژوهش توجه به ارزش‌های سنتی در طراحی فرهنگسرا و تجزیه و تحلیل تحولات حاصل شده توسط مدرنیته در معماری سنتی ایران با رویکرد تعامل این دو و همچنین بررسی نقش ابعاد چهارگانه مدرنیته (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در تحولات مشاهده شده در معماری سنتی می‌باشد. مولفه‌های معماری سنتی، معماری مدرن و اقلیم متغیرهای مستقل این پژوهش می‌باشند و سعی بر آن دارد تا بر اساس آنها و با رجوع به گونه‌های مختلفی از معماری دوره‌های معاصر در رامسر میزان تاثیر

مدرنیت را بر تحولات معماری بناهای فرهنگی از جمله فرهنگسراها را مورد بررسی و سنجش قرار داده و براساس نتایج تحقیق به ارایه تدابیر و سیاست های مناسب توسعه ای برای تحولات آتی در حیطه معماری فضاهای فرهنگی اقدام شود. تحلیل ما در مورد مدرنیت اساسا در چارچوب چهار فرایند عمده سازمان می گیرد، فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و گذر از سنت به مدرنیت را می توان بر پایه کنش متقابل میان این فرایندها توضیح داد. این گذار بدون مشارکت همه آنها عملی نبوده و هیچ یک از این فرایندها به خودی خود نمی تواند توضیح روشنی در مورد چگونگی تاثیر گذاری مدرنیت به دست دهد (برجیان بروجنی و کاردان، ۱۳۹۹: ۱۳۷). از این رو در این مطالعه علاوه بر بررسی اثرات مدرنیت بر تحولات معماری فضاهای فرهنگی و تعامل آنها و تاثیرات متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته که همان طراحی فرهنگسرا می باشد و نقش ابعاد مختلف مدرنیت بر این تحولات نیز بررسی و ارزیابی خواهد شد.

از آنجایی که مطالعه موردی در این پژوهش شهر رامسر می باشد و با توجه به اینکه شهر رامسر در دوره پهلوی اول و دوم اقامتگاه خانوادگی پادشاهی بوده و دارای بناها و آثار تاریخی مشهور زیادی است. با بررسی و مطالعه شرایط فرهنگی و سیاسی و اجتماعی دوران پهلوی اول و دوم در ایران بخصوص در شهر رامسر می توان دریافت که کشور در این بازه زمانی در تلاش بوده تا جامعه سنتی خویش را تبدیل به یک جامعه مدرن نماید و دستخوش تغییرات و تحولات شگرفی در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است. در شهرسازی و معماری نیز تحولات مدرنیزاسیون در شکل گیری شهر رامسر به عنوان تفرجگاه و شهر توریستی مهم دوره پهلوی نیز مشهود می باشد. در این شهر حضور ساختمان های مدرن برای عملکردها و سازمان های جدید در مجاورت بناهای گذشته به چشم می خورد. بناهای این شهر به دلیل رویارویی سنت و مدرنیت و حضور معماران اروپایی سبک های متعددی دارند که گاه با معماری سنتی و دیرینه ایران فاصله زیادی داشته و گاهی تعامل بین این دو سبک برقرار گشته است. بدین ترتیب این پژوهش در صدد مقایسه المان های سنتی و مدرن و تعامل

بین آنها در بناهایی مانند کاخ مرمر، موزه عاج، هتل قدیم رامسر و موزه مردم‌شناسی می‌باشد که با الگو قرار دادن سبک‌های سنتی و مدرن مورد استفاده در این بناها، فرهنگسرای طراحی گردد.

بخش اول: مبانی نظری پژوهش

بند اول: ارتباط فرهنگ و معماری

تأثیری که معماری و فرهنگ بر یکدیگر می‌گذارند تأثیری متقابل است. آثار معماری برای نشان دادن فرهنگ جوامع مختلف از عناصری همچون شکل، رنگ، تناسبات، اجزاء و نشانه‌ها استفاده می‌کند. هم‌چنین انسان‌ها محیط را بر اساس دانش و اطلاعاتی که نسبت به عملکرد، فضاها، اشکال و معنای باطنی و ظاهری محیط دارند درک می‌کنند که همین امر منجر به برقراری ارتباط روانی بین انسان و محیط می‌شود. رابطه‌ای که میان اصول و ارزش‌های فرهنگی انسان و ارزش‌های نهفته یا تجلی یافته فضای معماری به وجود آمده است به عنوان یکی از نتایج ادراکات تلقی می‌شود (سجادی، ۱۳۹۳).

معماری پدیده‌ای اجتماعی است که از فرهنگ سرچشمه گرفته است و بر آن تأثیر می‌گذارد، بنابراین سبک معماری هر دوره منعکس‌کننده هنر و فرهنگ آن زمان است. سبک جدید در معماری استوار بر سنت‌ها، روش‌ها و اصول سبک‌های گذشته است. از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مکتب‌های متفاوت معمار، وجود نقطه عطف در سیر تحولات فرهنگی است با توجه به اینکه فرهنگ و معماری، بر هم تأثیر متقابل دارند. این امر طبیعی است که هر گونه تغییرات فرهنگی، منجر به تغییر در مفاهیم و مبانی موثر در هنر معماری و به وجود آمدن سبک‌های متفاوت معماری شود که این امر نمایانگر وجود تعامل میان مفاهیم نظری معماری و مفاهیم نظری فرهنگی به شکلی خاص و عام است (باقری، ۱۳۹۴).

بند دوم: سنت و مدرنیته

حرکت فرهنگ ایرانی به طور اعم به سوی فرهنگ جهانی، خواه ناخواه کششی به سمت معماری جهانی را به دنبال می آورد (محمودی، ۱۳۹۸: ۱۰). این وضعیت در صورتی در حال روی دادن است که بحث پایان ناپذیر «سنت» و «مدرنیته» در معماری ایران، ده ها سال است که بدون یافتن نتیجه ای موثر و کاربردی ادامه دارد (فکوهی، ۱۳۹۳: ۴۹۱) و اینکه معماری معاصر ایران نتوانسته در مقابل سیل مدرنیته مقابله کند. شرایط امروز جامعه ایران به گونه ای است که در میان دو دیدگاه جهانی گرا و محلی گرا سردرگم مانده است. سردرگمی و تضاد در بسیاری از موارد در وجود هر فرد قابل شناسایی است و نوسان میان سنت و مدرنیته و تجددگرایی ایرانی معاصر تضادی عظیم را در خود نهان دارد (محمودی، ۱۳۹۸: ۱۰) از طرفی نیز رابطه ای که بین سنت و مدرنیته وجود دارد و پاسخ به چالش هایی که مدرنیته برانگیخته است از دغدغه های فکری اندیشمندان معاصر می باشد، به اعتقاد این اندیشمندان بدون فهم صحیح میانی مدرنیته نمی توان در خصوص نسبت آن با سنت سخنی گفت و درک و فهم انسان، یکی از مبانی مهم مدرنیته در تعارض اساسی با سنت است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

مدرنیته، مفهومی در مقابل روشی است که همان سنت بوده است، ولی در کشورهای مبدا و بومی خود (اروپا). حال باید دید آیا مدرنیته تمام اصول و فرع سنت های خود را در کشور مبدا اروپا درهم شکسته است و آیا مدرنیته آن طور که در ایران به آن نگاه شده و می شود، پدیده ای نوظهور است یا به تازگی به این نام «مدرنیته» نامیده شده است؟ (حبیب، ۱۳۸۹: ۳۱). سنت یک میراث ابدی است که هم به صورت عمودی یا زمانی (گذشته، حال و آینده) جاری است و تمام ابعاد زندگی یک حوزه تمدنی را در بر می گیرد. سنت خود جزئی از فرهنگ است و به طور تاریخی، انتقال، آینده و هم به صورت افقی یا مکانی صرف نظر از مسافت میان آنها در میان می یابد و دلالت بر الگوهایی دارد که به ارث رسیده و دچار تغییر و تحول می شود. سنت ها از جریان نوسازی (modernization) جدا نمی شوند و در

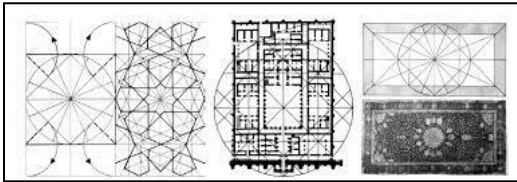
یک ارتباط همزیستی درونی با مدرنیته درگیر هستند و در بعضی جوانب جامعه، حتی مدرن‌ترین جوامع ادامه می‌یابند (گیدنز، ۲۰۱۶: ۶۷).

بند سوم: ویژگی‌های سنتی

بنا بر تعریفی، معماری سنتی آنگونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و در طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و با ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند، سازگار می‌باشند و یا به طور خلاصه معماری سنتی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است (نور محمدی، ۱۳۸۸). جدول ۱.

جدول ۱: اصول معماری ایرانی (کریمی، ۱۳۹۴)

اصول	توضیحات	
حیات مرکزی	این ویژگی در اکثر بناها به چشم می‌خورد همانند حیاط خانه‌ها، مساجد، مدرسه‌ها و ... حیات مرکزی اصلی ترین فضای خانه‌های کویری است. این خانه‌ها از نظر وضعیت استقرار نوعاً در جهت قبله قرار دارند و فضاها حول	

	حیاط مرکزی سازمان دهی شده اند.	
	پلان: جدا کردن بخش خصوصی از عمومی مردم ایرانی با داشتن اعتقاداتی همچون حرمت، حریم، محرمیت.... باعث درون گرا کردن ساختمان شده اند. سازماندهی اندام های ساختمان در گرداگرد با یک یا چند میانسرا که با یک هشتی بهم وصل شده است.	درون گرایی
	پلان اعداد در معماری ایرانی جایگاه ویژه ای دارد. اعداد در پلان مضربی از ۴ شروع می شود به ۸ ضلع می رسد و از ۸ ضلعی به ۱۶ و در نهایت به دایره می رسد.	اعداد

	قرینه احکام با دستورالعملی روشن با آهنگی منظم	
---	---	--

بند چهارم: طراحی فرهنگسرا با رویکرد سنت و مدرنیته

مهمترین عامل بحران در دنیای معاصر و در معماری و شهرسازی توجه به ظواهر مادی و گم شدن در لذت آن و عدم توجه به هویت خودی و به خصوص معنوی است. از عوارض این عدم توجه از خود بیگانگی، توجه به غیر، تشبیه و تشبه به معماری غربی و از همه مهم‌تر فردگرایی می‌باشد که آفت برقراری عدالت است. بنابراین باید بپذیریم که این بی‌توجهی در معماری و شهرهای ما نشان از بی‌هویتی خود ما دارد و مهمترین راهکار حفظ تسلسل فرهنگی است. فرهنگسرا مکانی اجتماعی و فرهنگی و هنری است که تحت تاثیر فرهنگ یک ملت است. فرهنگسراها و فضاهای داخلی آنها وسیله تناسبی برای کاهش اختلاف فرهنگی و عقیدتی بین مناطق شهر محسوب می‌شود (معماریان، ۱۳۹۴: ۴۲۷). در طراحی مراکز فرهنگی که در عین اتصال به گذشته، باید نظری به آینده نیز داشته باشند، بدون آگاهی و شناخت صریح و روشن از معماری و مفاهیم مرتبط با آن، نمی‌توان معیاری مناسب برای سنجش ارزش‌های آن ارائه کرد و به طبقه‌بندی اصول و مبانی طراحی در مراکز فرهنگی به ویژه فرهنگسراها که باید نماد و نشانه فرهنگ و تاریخ جامعه که همان سنت‌ها می‌باشند، پرداخت. جهاننگلو و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله خود تحت عنوان: بررسی نقش معماری تعامل‌گرا در طراحی فرهنگسرا و تاثیر آن بر توسعه گردشگری فرهنگی، بیان کردند درک چگونگی ارتباط محیط انسان ساخت و روابط اجتماعی میان افراد می‌تواند معماران و طراحان را در جهت طراحی مناسب چنین فضا‌هایی یاری رساند و علاوه بر آن سبب توسعه گردشگری فرهنگی و بالا بردن آگاهی عمومی از فضاهای فرهنگی اجتماعی توسط عناصر مرتبط با طراحی معماری شود.

مهدوی نژاد (۱۳۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان: تلفیق معماری مدرن و سنتی در ساختمان های فرهنگی ایران بیان داشت با پیشرفت دانش ساخت در صده اخیر، رویکرد سنتی جایگاه خود را به عملکرد مدرن بخشید و آثار معماری مدرن غربی در ایران چشمگیر شد، که با تشدید غرب زدگی و نارضایتی از معماری غربی برخی معماران ایرانی در طراحی آثار خود روی به تلفیق معماری مدرن غربی با هنرهای سنتی ایران نهادند که در برگیرنده هویت و نماد فرهنگ ایرانی بود.

با بررسی پیشینه پژوهش های انجام گرفته می توان به نتایج مهمی دست یافت که توجه بیش از حد به عملکرد در دیدگاه مدرن، بسیاری از وجوه ادراکی فضاهای معماری را در ارتباط با مخاطب کمرنگ کرده است معماری معاصر ایران هنوز در سردرگمی میان برداشت سطحی از نگاهی حسرت آمیز به گذشته تا فریفتگی به الگوهای غربی به سر می برد و معمار امروز ایران در دستیابی به جوهره بنیادین معماری کشور خویش، با چالش های فراوانی رو به روست. معماری گذشته این کشور که همواره با تکیه بر خلاقیت و خصایص پایدار از جایگاهی ویژه بر خوردار بود در عصر حاضر در اثر مواجهه با پدیده های گوناگون نظیر سیاست های استعماری و سرازیر شدن ثروت های نفتی، بدون دارا بودن پشتوانه مدیریتی لازم و نیز با دل باختگی به مظاهر تمدن تازه صنعتی شده غربی، از حقیقت فاصله گرفته و صورتی تصنعی و تنزلی پیدا نموده است. با توجه به این مطلب که معماری یک پدیده منفعل نیست که تنها هندسه ای از احجام به آن حاکم باشد، بلکه ایجاد فضای کیفی و خلق مکانی برای جوابگویی به نیازهای آنی و آتی جامعه می باشد (گون، ۲۰۱۰) بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است تا راه و روش هایی برای برقراری تعامل بین سنت و مدرنیته یافت تا در کنار محافظت از هویت و فرهنگ مطلوب و اصیل در معماری سنتی، از مزایا و محاسن معماری مدرن نیز بهره جست و در ایجاد کیفیتی بهتر در ارتباط با فضای معماری در فرآیند طراحی فرهنگسرا نقش بسزایی ایفا نمود و از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد مؤثر بود. در مجموع بر اساس تحقیقات صورت گرفته و بررسی های انجام شده در خصوص ایجاد تعامل بین سنت و مدرنیته می توان

به مولفه‌هایی چون نمادها به شیوه معماری اصفهانی (سنت) به تبعیت از ساختمان‌های نوکلاسیک و مدرن و مولفه‌هایی چون نقوش اسلیمی و ختایی برای تزئینات ساختمان و بام‌های شیب‌دار با خریای چوبی و یا فلزی و پوشش شیروانی (تلفیق سنت و مدرنیته) اشاره نمود.

بخش دوم: فرضیه‌های پژوهش

بند اول: فرضیه اصلی

برخی از المان‌ها مانند نمادها و نقوش اسلیمی، استفاده از احجام هندسی و معرق‌کاری، استفاده از طاق و قوس موجب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ‌سرا می‌شود.

بند دوم: فرضیه فرعی

مولفه‌هایی مانند اشکال هندسی، پنجره‌های عریض، طاق و قوس، کاشی‌کاری رنگی و معرق‌کاری در تعامل بین سنت و مدرنیته بکار رفته است.

بخش سوم: روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد؛ که در مرحله اول پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد، شامل: جست‌وجوی اینترنتی و مطالعه کتاب‌ها و مقالات و مجلات علمی-پژوهشی موردنیاز در زمینه موضوع پایان‌نامه از منابع داخلی و خارجی. در مرحله دوم اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسشنامه چاپ شده و آنلاین در فضای مجازی برای بررسی مؤلفه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها و همچنین برقراری ارتباط و همکاری با اساتید و محققان مورد بررسی قرار گرفته است. پرسشنامه تهیه شده توسط محقق، پس از ارزیابی‌های روایی و پایایی به صورت حضوری و

توسط کلیه کارشناسان معماری و سایر رشته‌های مرتبط، همچنین بازدیدکنندگان از بناهای فرهنگی و هنری سنتی و مدرن شهر رامسر تکمیل شد.

جامعه آماری در بخش کیفی بناهای تاریخی و مدرن شهر رامسر مانند کاخ مرمر، موزه عاج، هتل قدیم رامسر و موزه مردم شناسی می باشد که المان‌های سنتی و مدرن آنها در تعامل بین دو سبک معماری مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی کلیه کارشناسان معماری و سایر رشته‌های مرتبط همچنین بازدیدکنندگان از بناهای فرهنگی و هنری سنتی و مدرن شهر رامسر می‌باشند. با توجه به شرایط پژوهش و عدم دسترسی به تمامی افراد از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری نامحدود می‌باشد برای حفظ اعتبار علمی پژوهش بالاترین حجم نمونه با توجه به جدول مورگان در نظر گرفته شد بدین ترتیب حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد.

پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با گرفتن نمونه اولیه، مورد سنجش قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم افزار SPSS ۲۲ می‌باشد

بخش چهارم: یافته ها

نتایج نشان داد بیشتر آزمودنی ها معادل ۲۳۷ نفر (۶۱/۷ درصد) بازدیدکنندگان آگاه و سایرین معادل ۱۴۷ نفر (۳۸/۳ درصد) کارشناسان آگاه از معماری هستند. بیشتر آزمودنی ها معادل ۱۹۵ نفر (۵۰/۸ درصد) آشنایی در حد متوسط، ۱۳۳ نفر (۳۴/۶ درصد) میزان آشنایی متوسط رو به بالا دارند این در حالی است که فقط ۵۶ نفر (۱۴/۶ درصد) آشنایی زیادی با معماری دارند. بیشتر آزمودنی ها معادل ۱۱۱ نفر (۲۸/۹ درصد) بین ۲۶ تا ۳۰ سال سن دارند این در حالی است که فقط ۳۱ نفر (۸/۱ درصد) از آزمودنی ها بیش از ۴۰ سال سن دارند. بیشتر آزمودنی ها معادل ۱۳۵ نفر (۳۵/۲ درصد) تحصیلات لیسانس دارند، این در حالی است که فقط ۵۸ نفر معادل (۱۵/۱ درصد) تحصیلات دکترا دارند.

جدول ۲: آماره های توصیفی پرسشنامه پژوهش

کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف معیار	نما	میانه	میانگین		
۰/۱۲	-۰/۷۳	۰/۲۳۳	۰/۴۸۲	۴/۱۷	۴	۳/۸۹	مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی	بخش نقش در مدرن
-۰/۸	۰/۲۹۶	۰/۳۲۲	۰/۵۶۸	۳	۳	۳/۱۳	اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)	
-۰/۸۴	-۰/۱۳	۰/۴۷۷	۰/۶۹	۲/۶۷	۳	۲/۹	طراحی پلان	
-۰/۹۳	۰/۴۱	۰/۴۵	۰/۶۷	۳	۳/۲	۳/۴۵	نمادها	
-۰/۹۲	-۰/۰۴	۰/۴۷	۰/۶۸	۳	۳	۳/۴۸	نقوش اسلیمی	
-۰/۵۵	-۰/۴۴	۰/۳۶	۰/۶	۳/۸۳	۳/۵	۳/۵۱	احجام هندسی	بخش نقش در مدرن
-۰/۰۲	-۰/۵۹	۰/۲۹۸	۰/۵۴	۴/۱۷	۳/۶۶	۳/۶۷	مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی	
-۰/۳۶	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۷۰۳	۳	۳	۳/۱۵	اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)	
-۰/۷۳	۰/۳۳۹	۰/۴۸	۰/۶۹	۲/۶۷	۲/۶۷	۲/۵۸	طراحی پلان	
۰/۲۴	۰/۸۶	۰/۴۰۷	۰/۶۴	۳	۳	۳/۰۸	نمادها	
-۰/۶۲	۰/۳۹۳	۰/۴۵	۰/۶۷	۴	۳/۸	۳/۶۸	نقوش اسلیمی	
۱/۳۹	-۱/۰۶	۰/۳۰۶	۰/۵۵۳	۴/۱۷	۳/۸۳	۳/۸۱	احجام هندسی	

با توجه به آنچه در جدول (۲) نشان داده شده است از بین ۶ مؤلفه پرسشنامه پژوهش (مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی، اجرای نما، طراحی پلان، نمادها، نقوش اسلیمی و احجام هندسی) در بخش نقش در طراحی مؤلفه مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی با انحراف معیار (۰/۴۸۲)، واریانس (۰/۲۳۳) دارای بیشترین میانگین (۳/۸۹) و در بخش بکارگیری مؤلفه ها، مؤلفه احجام هندسی با انحراف معیار (۰/۵۵۳)، واریانس (۰/۳۰۶) دارای بیشترین میانگین (۳/۸۱) می باشد. این در حالی است که در

بخش نقش در طراحی مؤلفه طراحی پلان با انحراف معیار (۰/۶۹) ، واریانس (۰/۴۷) دارای کمترین میانگین (۲/۹) و در بخش بکارگیری مؤلفه ها، همین مؤلفه با انحراف معیار (۰/۶۹) ، واریانس (۰/۴۸) دارای کمترین میانگین (۲/۵۸) در بین سایر مؤلفه ها می باشد. همچنین مطابق نتایج جدول فوق مقادیر میانگین ، میانه و نما در همه متغیرهای مطرح شده تا حدودی به یکدیگر نزدیک می باشند این نشان می دهد که نمرات حاصله نرمال می باشند ، البته مقادیر کجی و کشیدگی نیز با قرار گرفتن بین مقادیر (۲-) تا (۲+) خود مؤید این مطلب است

بند اول: فرضیه اصلی

برخی از المان ها مانند نمادها و نقوش اسلیمی، استفاده از احجام هندسی و معرق کاری، استفاده از طاق و قوس موجب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگسرا می شود.

جدول ۳: آزمون T تک نمونه ای در فرضیه اصلی

مؤلفه ها		آمار توصیفی		آماره T	
				ارزش معادل میانگین = ۳	
	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی	۳/۸۹۱۵	۰/۴۸۳	۳۶/۱۸۸	۳۸۳	۰/۰۰۰۰۱
اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)	۳/۱۲۸۱	۰/۵۶۸	۴/۴۲۲	۳۸۳	۰/۰۰۰۱
طراحی پلان	۲/۹۱۲۳	۰/۶۹۱	-۲/۴۸۷	۳۸۳	۰/۰۱۳
نمادها	۳/۴۵۴۲	۰/۶۷۵	۱۳/۱۹۲	۳۸۳	۰/۰۰۰۱
نقوش اسلیمی	۳/۴۸۲۸	۰/۶۸۴	۱۳/۸۲۷	۳۸۳	۰/۰۰۰۱
احجام هندسی	۳/۵۱۳۹	۰/۵۹۹	۱۶/۷۸۴	۳۸۳	۰/۰۰۰۱

با توجه به جدول (۳) مشخص شد که: در مولفه مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی: با $T(383)=36.188$, $P<0.01$ نشان داده شد که مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی (میانگین $=3/8915$ و انحراف معیار $=0/483$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی داشته است.

در مولفه اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته): با $T(383)=4.422$, $P<0.01$ نشان داده شد که اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته) (میانگین $=3/1281$ و انحراف معیار $=0/568$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته) تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی داشته است.

در مولفه طراحی پلان: با $T(383)=-2.487$, $P<0.05$ نشان داده شد که طراحی پلان (میانگین $=2/9123$ و انحراف معیار $=0/691$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه طراحی پلان تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی نداشته است.

در مولفه نمادها: با $T(383)=13.192$, $P<0.01$ نشان داده شد که نمادها (میانگین $=3/4542$ و انحراف معیار $=0/675$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه نمادها تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی داشته است.

در مولفه نقوش اسلیمی: با $T(383)=13.827$, $P<0.01$ نشان داده شد که نمادها (میانگین $=3/4828$ و انحراف معیار $=0/684$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت

که به موجب مولفه نقوش اسلیمی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی داشته است.

در مولفه احجام هندسی: با $P < 0.01$, $T(383) = 16.784$ نشان داده شد که نمادها (میانگین = $3/5139$ و انحراف معیار = $0/599$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه احجام هندسی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا روند روبه رشدی داشته است.

بند دوم: فرضیه فرعی

مولفه هایی مانند اشکال هندسی، پنجره های عریض، طاق و قوس، کاشی کاری رنگی و معرق کاری در تعامل بین سنت و مدرنیته در بناهای شهر رامسر بکار رفته است.

جدول ۴: آزمون T تک نمونه ای در فرضیه فرعی

آماره T			آمار توصیفی		مولفه ها
ارزش معادل میانگین = ۳					
سطح معناداری	درجه آزادی	T	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰۱	۳۸۳	۲۴/۲۲۳	۰/۵۴۵	۳/۶۷۴۵	مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی
۰/۰۰۰۱	۳۸۳	۴/۱۶۴	۰/۷۰۳	۳/۱۴۹۵	اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)
۰/۰۰۰۱	۳۸۳	-۱۱/۷۰۸	۰/۶۹۶	۲/۵۸۴۲	طراحی پلان
۰/۰۱	۳۸۳	۲/۵۷۵	۰/۶۳۸	۳/۰۸۳۹	نمادها
۰/۰۰۰۱	۳۸۳	۱۹/۹۸۸	۰/۶۷۲	۳/۶۸۵۹	نقوش اسلیمی
۰/۰۰۰۱	۳۸۳	۲۸/۷۰۸	۰/۵۵۳	۳/۸۱۰۸	احجام هندسی

با توجه به جدول (۴) مشخص شد که در مولفه مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی: با $P < 0.01$, $T(383) = 24.223$ نشان داده شد که مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی (میانگین $= 3/6745$ و انحراف معیار $= 0/545$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است.

در مولفه اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته): با $P < 0.01$, $T(383) = 4.164$ نشان داده شد که اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته) (میانگین $= 3/1495$ و انحراف معیار $= 0/703$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته) تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است.

در مولفه طراحی پلان: با $P < 0.01$, $T(383) = -11.708$ نشان داده شد که طراحی پلان (میانگین $= 2/5842$ و انحراف معیار $= 0/696$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه طراحی پلان تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به شیوه مناسبی بکار رفته است.

در مولفه نمادها: با $P < 0.05$, $T(383) = 2.575$ نشان داده شد که نمادها (میانگین $= 3/0839$ و انحراف معیار $= 0/638$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه نمادها تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است.

در مولفه نقوش اسلیمی: با $P < 0.01$, $T(383) = 19.988$ نشان داده شد که نمادها (میانگین $= 3/6859$ و انحراف معیار $= 0/672$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت

که به موجب مولفه نقوش اسلیمی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است.

در مولفه احجام هندسی: با $P < 0.01$, $T(383) = 28.708$ نشان داده شد که نمادها (میانگین $= 3/8108$ و انحراف معیار $= 0/553$) از ارزش میانگین ۳ تفاوت معنا دار دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به موجب مولفه احجام هندسی تعامل بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر طراحی فرهنگسرا با رویکرد تعامل سنت و مدرنیته در شهر رامسر می باشد. بررسی های صورت گرفته در خصوص مفهوم سنت و مدرنیته و تاثیرات هر کدام و تقابل آن بر طراحی مکانی مانند فرهنگسرا نشان می دهد که با تمام تلاشی که معماران برای حفظ سنت در طراحی کرده اند اما گروهی در حال تقلید نادرست از سبکهای معماری جهان می باشند و با وجود داشتن پیشینه تاریخی در امر معماری به جرات می توان گفت آن را به فراموشی سپرده اند. مطالعه معماری سنتی ایران نشان می دهد که به رغم تنوع و پیچیدگی بناها: اصول، مبانی و الگوهای نسبتاً معدودی در طول زمان به اشکال مختلف در این معماری به کار گرفته شده اند. افزون بر آن تکامل معماری ایران، بیشتر بر تعالی این اصول، مبانی، الگوها و در جریان نوعی فعالیت هوشمندانه و ماهرانه استوار بوده است. راه حل بسیاری از مشکلات معماری در ایران این است که معماری سنتی و ایرانی باید تکنولوژی و روش های معاصر و مدرن را در خود جا دهد و نیاز امروز را برطرف کند و به عبارت دیگر با سبک مدرن زندگی امروزی همراه شود. لذا برای ارتقاء کیفیت معماری امروز که از مسائل مهم و قابل بحث در معماری معاصر است، توجه به اساس معماری سنتی و تطبیق آن با بستر زندگی امروز و معماری مدرن، می تواند راهگشا باشد.

استفاده توانان از مفاهیم معماری سنتی ایرانی و روی آوردن به نوعی معماری مدرن (بدون استفاده کردن از تزیینات) می تواند راهگشای دستیابی به بنای هویت گرا در شرایط معاصر باشد و نتیجه بهتری را در بر خواهد داشت. برای توجه بیشتر به رشد فرهنگی در جامعه برای جبران این کمبود لازم است تا مراکزی چند در شهرهای مختلف کشور بنا گردد. در شرایط دنیای کنونی که هر فرهنگ بیگانه ای در صدد تحمیل خود بر دیگر فرهنگ هاست و با هدف ایجاد شرایطی که ما را به رها کردن زندگی و باورهای خودمان سوق می دهد باید در همه اندیشه ها و باورها و ارزش های خود تامل بیشتری داشته باشیم در همه زوایای وجود خویش اندیشید.

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد مولفه هایی مانند مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی، اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)، نمادها، نقوش اسلیمی و احجام هندسی موجب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا شده است؛ اما المان پلان سبب ایجاد تعامل بین معماری سنتی و مدرن در طراحی فرهنگ سرا نشده است.

المان هایی چون مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی، اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)، نمادها، نقوش اسلیمی و احجام هندسی در بناهای شهر رامسر به طریق مناسبی بکار رفته است؛ اما المان پلان تعامل مناسبی بین معماری سنتی و مدرن در بناهای شهر رامسر نداشته است.

با توجه به اینکه بر اساس نظر پاسخ گویان نقوش اسلیمی بصورت معناداری در طراحی فرهنگ سرا به کار رفته و موجب تعامل بین سنت و مدرنیته می شود، پیشنهاد می شود استفاده از آنها با ترکیب مناسب در طراحی فرهنگ سرا در شهر رامسر بکار گرفته شود. با در نظر گرفتن نظرات پاسخ دهندگان اجرای نما (تلفیق سنت و مدرنیته)، بطور معناداری در طراحی فرهنگ سرا به کار رفته و موجب تعامل بین سنت و مدرنیته می شود، بنابراین اجرای نما با مشخصه های ذکر شده بر اساس مبانی نظری پیشنهاد می شود.

منابع و مآخذ

- باقری، مجتبی. (۱۳۹۸)، بررسی نقش قابلیت های فرهنگی و تاریخی در جذب گردشگر داخلی و خارجی (مورد استان گلستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- برجیان بروجنی، فرشاد ؛ کاردان، مریم. (۱۳۹۹) ، بررسی نقش معماری و آموزش نوین در فرهنگسرا در جهت پرورش خلاقیت، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران، موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران.
- تقی زاده. محمد. (۱۳۹۴)، ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، اصفهان، سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری اصفهان.
- جهاننگلو، رامین (۱۳۹۴)، ترجمه: منصور گودرزی، نشر: نی، چاپ چهارم، صفحه ۷۱-۷۲.
- حبیب، معروف. (۱۳۹۹)، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی ناشر: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- داراب، دیبا. (۱۳۹۲). الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، معماری و فرهنگ شماره ۱۴. دوره ۱۱.
- سجادی، فریبرز ؛ رستمی، محسن. (۱۳۹۳)، مقاله ی تحلیلی : نقش جهان- مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی، ، شماره ۲، سال چهارم.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۳)، انسان شناسی شهری، تهران، نشرنی.
- قاسمی، اعظم. (۱۳۹۸)، آنان شناسی از دیدگاه سید حسین نصر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (ص ۱۴۲ و ص ۱۸۶).
- گیدنز، آنتونی. (۲۰۱۶)، پیامدهای مدرنیت، انتشارات: مرکز. تهران.

- محمودی، سید امیر سعید (۱۳۹۸)، برنامه دهی معماری: مدیریت اطلاعات برای طراحی، انتشارات: دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۹۴)، آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه شناسی درونگرا، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- مهدوی نژاد، جواد (۱۳۹۶)، هویت معماری: تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، نشریه: هویت شهر، شماره ۷.
- نصر، سیدحسین، بورکهارت، تیتوس، گوستاو یونگ، کارل، والری، پل (۱۳۸۸)، سنت اسلامی در معماری ایران در جاودانگی و هنر، ترجمه سید محمد آوینی، تهران، انتشارات برگ.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۵)، تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه-ها)، ناشر: جهاد دانشگاهی. تهران.
- Guenon, Rene, (۲۰۱۰), *Symbols of Sacred Scienc*, ۲ Edition, Sophia Perenis Hillsdele Ny: ۴۷۶.